http://dorl.net/dor/20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5
تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۹/۱۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴
صفحه ۷۶-۵۵
نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل انسان‌شناسانه‌ی فرش سیستان و بلوچستان با رویکرد فرهنگی- اعتقادی*

الهه شیخی
کارشناس ارشد پژوهش فرش، دانشکده‌ی صنایع‌دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران
فرهاد باباجمالی (نویسنده‌ی مسئول)
عضو هیئت‌علمی گروه فرش، دانشکده‌ی صنایع‌دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران
babajamali_farhad@yahoo.com
ایمان زکریایی کرمانی
عضو هیئت‌علمی گروه فرش، دانشکده‌ی صنایع‌دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۸
پاییز و زمستان ۱۳۹۹

چکیده

هنر بافندگی در قلمرو سرزمین ایران بخشی از هویت فرهنگی مردمان آن به شمار می‌رود. دست‌بافته‌های سنتی سیستان و بلوچستان نیز به‌عنوان گوشه‌ای مهم از این هویت قلمداد می‌شود. علاوه بر طرح و رنگ بسیاری دیگر از ابعاد تولید قالیچه‌های این منطقه را می‌توان به‌عنوان شناسه‌های فرهنگی- اعتقادی آن‌ها تلقی کرد. ازآن‌جاکه بررسی ابعاد معنایی یک اثر هنری در ارتباط با خالق آن بهتر قابل‌تشخیص است؛ پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا با حضور در میدان تحقیق، زوایایی ناشناخته از فرهنگ بومی و اعتقادی تولیدکنندگان این آثار را شناسایی کرده و به این پرسش پاسخ دهد که قالیچه‌های بومی سیستان و بلوچستان چه نسبتی با مؤلفه‌های فرهنگی و ارزش‌های اعتقادی پدیدآورندگان آن‌ها داشته است؟ این پژوهش با رویکرد انسان‌شناسی هنر و با روش مردم‌نگاری در منطقه به انجام مشاهده‌ی مستقیم و مصاحبه با بومیان پرداخته و سپس از طریق کدگذاری داده‌ها در سه سطح کدگذاری باز، محوری و گزینشی به طبقه‌بندی آن‌ها مبادرت ورزیده است. نتایج حاصل از یافته‌ها نشان می‌دهد، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی قالیچه‌های منطقه‌ی سیستان و بلوچستان از مراحل ابتدایی آن تا به انتها دارای ابعاد وسیع معنایی است؛ به‌طوری‌که حتی جزئی‌ترین آن‌ها نیز ریشه‌ای عمیق در فرهنگ و اعتقادات بومیان منطقه دارد. آداب و رسوم خاص برای بافتن، اعتقاد به چشم‌زخم، خواندن شعرهای مخصوص به هنگام بافت، مراسم شستشو و ... همگی ازجمله‌ی این مؤلفه‌ها است. در این استان فرش جدا از جنبه‌های کاربردی، کالایی مقدس شناخته می‌شود و با وجود برخی تمایزات فرهنگی بین سیستانی‌ها و بلوچ‌ها، شباهت تعدادی اعتقادات و رسوم در مورد فرش نشان از وحدت ریشه‌های ابتدایی بافت فرش در بین دو گروه اصلی ساکنان این منطقه دارد.

واژه‌های کلیدی: فرش سیستان و بلوچستان، انسان‌شناسی، مردم‌نگاری، فرهنگ، اعتقادات.

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد با عنوان «مطالعه‌ی فرش استان سیستان و بلوچستان با رویکرد انسان‌شناسی» در دانشکده‌ی فرش دانشگاه هنر اصفهان، به راهنمایی دکتر فرهاد باباجمالی و مشاوره‌ی دکتر ایمان زکریایی کرمانی است.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

Anthropological Analysis of Sistan and Baluchestan Carpet with a cultural-religious approach

Elehe Sheikhi

M.A. of Carpet research, Student of Carpet, Faculty of Crafts, Isfahan Art University, Isfahan, Iran

Farhad Babajamali (Corresponding Author)

Faculty Member of Carpet Department, Faculty of Crafts, Isfahan Art University, Isfahan, Iran

babajamali_farhad@yahoo.com

Iman Zakariaei Kermani

Faculty Member of Carpet Department, Faculty of Crafts, Isfahan Art University, Isfahan, Iran

Abstract

The art of weaving in the territory of Iran is a part of the cultural identity of it`s people. The traditional handicrafts of Sistan and Baluchestan are also considered as an important aspect of this identity. Apart from design and color, many other dimensions of carpet production in this region can be considered as their cultural-religious characteristics. Since the study of the semantic dimensions of an artwork in terms of its creator is much more recognizable, the present study aims to identify the unknown aspects of the indigenous culture and beliefs of the producers of these crafts by visiting the case study, and it also tries to answer this question that what is the correlation between indigenous rugs of Sistan and Baluchestan and their creators' cultural traits and religious values. This research has conducted direct observation and interviews with the natives with the approach of art anthropology and the methodology of ethnography in the region, and then through data coding in three levels of open, axial, and selective coding has attempted to classify them. The results show that elements comprising the carpets in the Sistan and Baluchestan region, from their initial stages to the end, have wide semantic dimensions so that even the most trivial of them have deep roots in the culture and beliefs of its natives. Specific rituals for weaving, belief in sore eyes, composing special poems during weaving, washing ceremonies, etc. are a part of this elements. In this province, apart from its practical aspects, carpet is considered as a sacred commodity, and although there are obvious cultural differences among the people of Sistan and Baluchestan, the similarity of some beliefs regarding carpets shows the unity of the primitive roots of carpet weaving among the two main groups of inhabitants in this region.

key words: Carpet of Sistan and Baluchestan, Anthropology, Ethnography, Cultures, Beliefs.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

مقدمه

هنرهای مختلف موجود در سرتاسر ایران‌زمین در هر نقطه از این سرزمین پهناور با آداب و رسوم و لایه‌های مختلف فرهنگی همان منطقه درهم‌آمیخته‌اند و به‌نوعی بومی‌سازی شده‌اند. از میان هنرهای ایرانی، قالی‌بافی، ترکیبی متشکل از چندین هنر مثل نقاشی و طراحی، رنگرزی، رنگ و نقطه و همچنین مراحل دشوار بافت و پرداخت و غیره است. هم‌چون دیگر مصنوعاتِ جوامع سنتی، قالی‌ها نیز فارغ از جنبه‌ی کاربردی خود حامل اطلاعاتی پیرامون جهان‌بینی تمدن‌ها هستند. آن‌ها در اندرون تاروپود خود مفاهیم عمیق فرهنگی و اعتقادی را در برداشته و شامل زیبایی‌شناسی فرهنگی در بستری تاریخی هستند. می‌توان گفت فرش دارای معانی اعتقادی و دینی است که با رؤیاها و مضامین پنهان در باورها سروکار دارد (تختی و افهمی،۱۳۹۰ :۵۰). ازجمله استان‌هایی که قالی‌بافی در آن دارای قدمتی دیرینه است می‌توان به استان سیستان و بلوچستان اشاره کرد. این منطقه باوجود این که جزء استان‌های محروم ایران محسوب می‌شود، ازنظر هنرهای دستی و خصوصاً قالی‌بافی پیشینه‌ای درخور توجه دارد؛ به عبارتی فرش این منطقه که توسط سیستانی‌ها و بلوچ‌ها تولید می‌شود بستر مناسبی برای به تصویر کشیدن ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و آداب ورسوم خاص مردمان استان سیستان و بلوچستان بوده است.

بلوچ‌های این استان دارای دست‌بافته‌های نفیس و بدیع ازنظر طرح و رنگ بوده‌اند ولی به دلیل شرایط نامساعد جوی و معیشت، بافندگان بلوچ سیستان کم‌کم به مناطقی مثل خراسان مهاجرت کرده‌اند به‌طوری که امروزه در سطح استان سیستان و بلوچستان دیگر به‌طور کلی قالی‌بافی ندارند. بلوچ‌ها علاوه بر قالی‌های پرزدار به بافت انواع منسوجات برای مصارف مختلف می‌پرداخته‌اند (ابراهیمی علویجه و شعبان‌پور، ۱۳۹۴: ۷۴ تا ۸۲ و مجابی و فنایی، ۳۴۴:۱۳۸۸). منطقه‌ی سیستان کنونی دارای سابقه‌ی طولانی درزمینه‌ی بافندگی بوده است، به‌طوری که آن را به سه دوره‌ی تاریخی تقسیم کرده‌اند؛ بافت قالی‌های کهن آن تا آغاز قرن چهاردهم هجری (بیستم میلادی) ادامه داشته است و نوع میانه از قرن نوزدهم میلادی بافته می‌شد و تاکنون بافت آن ادامه دارد و قالی‌های نو که هم‌اکنون نیز بافته می‌شود (حصوری، ۷:۱۳۷۱).

تغییرات زیست‌محیطی و نحوه‌ی زندگی موجب کوچ عده‌ی زیادی از مردم به شهرها و کاهش جمعیت روستایی و عشایری شده است. پیشروی سبک زندگی رو به‌سوی مدرنیته موجب از بین رفتن برخی آداب و رسوم و سنن شده است و یا آن‌ها را تغییر داده یا تقلیل یافته‌اند. از آن جمله می‌توان به کاهش شدید تولیدات فرش دست‌باف و یا روی آوردن ساکنان به خرید و حتی تولید قالی از سایر نقاط کشور با نقوش و اسلوب بافت غیربومی اشاره داشت؛ که ممکن است رفته‌رفته به انقراض این هنر اصیل در منطقه منجر شود. علوم مردم‌شناسی و انسان‌شناسی، همواره علاقه‌مند به مطالعه و بررسی جوامع در حال مرگ هستند. این نشان دادن علاقه از سوی علوم نام‌برده بدان جهت است که می‌توانند این جوامع را قبل از نابودی کامل، ازنظر عکسی و واژگانی به ثبت برسانند (ایزدی جیران، ۱۳۹۰ :۱۴). پس بررسی نقشِ عوامل فرهنگی- اعتقادی درزمینه‌های مختلف تولید و استفاده‌ی قالی سیستان و بلوچستان با توجه به به‌کارگیری سیاست‌های غلط در منطقه و سایر دلایل ذکرشده که این هنر صنعت را تا حد میرایی پیش برده است، از منظر انسان‌شناسی امری ضروری به نظر می‌رسد.

هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش اصلی است که قالیچه‌های بومی سیستان و بلوچستان چه نسبتی با مؤلفه‌های فرهنگی و ارزش‌های اعتقادی پدیدآورندگان آن‌ها داشته است؟ و بهترین راه برای فهم این نسبت‌ها حضور در منطقه و ارتباط با بومیان ساکن این استان است که نشان داد: فرش این منطقه درگذشته ضمن داشتن جایگاه مصرفی، دارای جایگاهی مهم و ریشه‌دار به لحاظ فرهنگی و اعتقادی نیز بوده است. این اهمیت تا جایی است که فرش در میان این مردمان به‌مثابه امری مقدس در نظر گرفته می‌شده است به‌نحوی‌که ریشه‌های ابتدایی آن در بین مردمان هردو منطقه تقریباً یکسان بوده است و نشان از وحدت بافته‌های ابتدایی در سطح منطقه دارد.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

بررسی مطالعات پیشین

در مباحث انسان‌شناسی فرش ایران مقاله و رسالات متعددی تدوین‌شده است که اشاره به همه آن‌ها در حوصله‌ی این پژوهش نیست. این در حالی است که در مورد انسان‌شناسی فرش استان سیستان و بلوچستان مورد قابل ذکری مشاهده نشد؛ بنابراین به‌طور اجمالی به ذکر چند پژوهش در مورد انسان‌شناسی فرش ایران و پیشینه‌ای در فرش سیستان و بلوچستان اکتفا شده است.

احمدی (۱۳۹۱) در بررسی انسان‌شناختی قالی جوشقان با مراجع مکرر به میدان تحقیق به این نتیجه رسیده است که مردم این منطقه از استان اصفهان هنر را وارد تعاملات روزمره‌ی زندگی خودکرده‌اند و همچنین از فرش نیز به‌عنوان کالایی فرهنگی هنری بهره می‌گیرند. این جامعه از تفکر کشاورزی نیز بهره‌منداست درنتیجه نقوش هنرها ازجمله قالی بیشتر بر مبنای فرهنگ کشاورزی و نیز انسجام خانوادگی شکل‌گرفته‌اند. مکی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ی انسان‌شناسی فرهنگی قالی‌های منطقه ویست استان اصفهان به بررسی قالی‌های ذهنی‌باف منطقه ویست با رویکرد انسان‌شناسی دست‌زده و با استفاده از روش مردم‌شناسی و از دیدگاه هووارد مورفی به بررسی زیبایی‌شناسی و معناشناسی نقوش این قالی‌ها پرداخته است. ایزدی جیران (۱۳۹۴) در مقاله‌ی بازار ورنی: زندگی‌نامه‌ی اجتماعی دست‌بافته‌هایی از لومه دره تا تهران، با استفاده از تجربه‌ی مردم شناسانه‌ی خویش به بررسی ورنی‌های بافته‌شده در لومه دره که توسط عشایر این منطقه از شمال تهران تولید می‌شوند، پرداخته است. وی با تحلیل بازار ورنی روشن ساخت که ورنی چه تفاوتی در عمل لومه دره‌ای‌ها با عمل تهرانی‌ها دارد و چگونه این دو جامعه می‌توانند به واسطه‌ی یک شیء درباره‌ی یکدیگر بی‌اندیشند و عمل کنند. قانی (۱۳۹۵) در رساله‌ی دکتری با موضوع تحلیل فرهنگی قالی خشتی چالشتر این نوع قالی را به دلیل پیشینه، تنوع نقوش و استقبال از سوی بافندگان محلی و خریداران داخلی و خارجی از حیث فرهنگی مورد تحلیل قرار داده است. وی نیز در این پژوهش چارچوب نظری هووارد مورفی را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین انسان شناسان به‌کار برده است.

حصوری (۱۳۷۱) در کتاب فرش سیستان به شرح دقیقی از تاریخچه‌ی فرش این منطقه از گذشته تا کنون پرداخته و ضمن بررسی دقیق ابعاد مختلف تولید فرش به اصطلاحات بومی در مورد این دست‌بافته و وضعیت معاصر تولید آن نیز اشاره کرده است. حسین‌آبادی و رهنورد (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان بررسی نقش و رنگ در قالی سیستان، این دو عامل را متأثر از شرایط اقلیمی، فرهنگی و همچنین بافت تصویری منطقه می‌دانند. آن‌ها معتقدند که با توجه به گذشته‌ی حماسی و تاریخی مردم سیستان و نوع باورها و فرهنگ مردم این منطقه، همچنین طبیعت ویژه‌ی این دیار طرح و نقشی که در فرش‌ها به‌کار گرفته می‌شود نوعی نمادپردازی و تداعی وقایعی هستند که درواقع حلقه‌ی اتصال میان جهان معقول خودآگاهی و جهان غریزه‌اند و بافندگان به این طریق به نمادین کردن عناصر طبیعی و آرمان‌های خود به‌صورت رنگ و نقش می‌پردازند.

نیک‌اندیش و چیت‌سازیان (۱۳۹۳) در مقاله‌ی زیبایی‌شناسی رنگ و طرح در قالیچه‌های محرابی بلوچ، طرح و رنگ‌ها و نیز هم‌نشینی رنگ در قالیچه‌های بلوچی را نمایانگر فرهنگ و تمدن این اقوام و آن را انعکاسی از باورها، اعتقادات، مشاهدات، آرزوها، آرمان‌ها و به‌طورکلی فرهنگ بافندگان آن می‌دانند. دهقانی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی با موضوع بررسی طرح و نقش گلیم و سوزن‌دوزی‌های بلوچ به مقایسه و تطبیق طرح‌ها و نقوش به‌کار رفته در گلیم‌های ساخت دست بلوچ‌ها و نیز سوزن‌دوزی‌ها پرداخته است و با توجه به این که این هنرها به‌نوعی در روابط پویا درگذر زمان مراوداتی باهم داشته‌اند بیان داشته که در محتوای هنری نیز دارای گفتمان مشهودی بوده‌اند. وی سعی داشته با بهره‌گیری از ظرفیت‌های هریک از این دو حوزه به غنای حوزه‌ی دیگر کمک

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

نماید و در آخر پی به روابط نزدیک بین این دو برده و بیان می‌دارد با تقویت شباهت‌ها و توجه به تفاوت‌ها می‌توان به شناخت بهتر و خلق طرح‌های نوآورانه با حفظ اصالت بلوچ در این هنرها کمک کرد.

بررسی در منابع مکتوب دیگر ازاین‌دست نشان می‌دهد پژوهش‌هایی که در مورد فرش سیستان و بلوچستان صورت گرفته عموماً دو منطقه را به صورتی کاملاً مجزا بررسی کرده‌اند و کمتر تحقیقی به بررسی و مقایسه توأمان دو منطقه پرداخته است. ضمناً این بررسی‌ها اکثراً بر روی طرح و نقش بوده و تنها در بعضی منابع اشاره‌ای جزئی به سایر مراحل بافت شده است. لیکن با توجه به ظرفیت‌های موجود در فرش این استان به‌مثابه یک ابژه فرهنگی که دارای لایه‌های معنوی پنهان بسیاری است به نظر می‌رسد جای خالی یک پژوهش تحلیلی و مردم‌شناسی به‌منظور شفاف‌سازی نگرش مردمان معاصر این استان به فرش‌های جدید و حتی قدیمی احساس می‌شود. ازاین‌روی پژوهش حاضر با حضور در میدان تحقیق و به‌کارگیری روش‌های گسترده و متنوع به بررسی این موضوع پرداخته است.

روش تحقیق

ماهیت کلی پژوهش پیش رو از نوع کیفی است. پژوهش حاضر را که باهدف بررسی رویکردهای اعتقادی موجود در قالی‌های منطقه سیستان و بلوچستان از منظر انسان‌شناسی انجام شد می‌توان در زمره‌ی تحقیقات بنیادی به شمار آورد. این‌گونه تحقیقات به‌منظور گسترش مرزهای علم و دانش و تبیین صفات یک پدیده‌ی خاص به‌کار گرفته می‌شوند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۵۱).

ازنظر روش نیز این پژوهش، توصیفی- تحلیلی و از نوع مردم‌شناسی است. در پژوهش انسان‌شناسی، مردم‌نگاری نخستین مرحله‌ی جمع‌آوری اطلاعات است، مرحله‌ی بعدی مرحله‌ایست که این اطلاعات، نخستین تألیف‌ها را می‌سازند و در سومین مرحله انسان‌شناسی است که به تعمیم نظری موضوع پس از مقایسه‌هایی که انجام‌شده است می‌پردازد (ریویر، ۱۳۷۹: ۲۷).

نگارندگان در پژوهش پیش رو با حضور گسترده در میدان تحقیق به مشاهده و مصاحبه و جمع‌آوری دقیق اطلاعات میدانی یا به‌عبارت دیگر به مردم‌نگاری پرداخته و داده‌های خام موردنیاز را به‌صورت توصیفی تجربی برای ادامه‌ی پژوهش به دست آورده‌اند. برای پاسخ به پرسش اصلی، گزاره‌های به‌دست‌آمده از طریق پرسشنامه در سه سطح باز، محوری و گزینشی کدگذاری شدند. از این شیوه در به وجود آوردن داده‌هایی در متن برای تحلیل محتوای کیفی اطلاعات استفاده شد. درواقع به‌منظور تشخیص معانی پنهان موجود در داده‌های خام اولیه پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در سطح یک یعنی کدگذاری باز از حالت گفتاری و عامیانه به حالت نوشتاری تبدیل شد؛ سپس در سطح دوم (کد گذاری محوری) با پالایش بهتر داده‌ها، جملات به کدهای خلاصه‌تر و کلماتی بدل شد که حامل مفاهیم اصلی موجود در پاسخ‌ها بود. در مرحله‌ی آخر یعنی کدگذاری گزینشی کلمات پیشین کاملاً تصفیه و مضامین زیربنایی کلیدی مهم از دل آن‌ها پدیدار شد. درواقع این‌گونه کدگذاری می‌تواند در ارائه‌ی اطلاعات توصیفی برای شرح داده‌های پژوهش راهنمای مفیدی باشد (میرسعیدی،۱۳۹۶: ۱۱۲).

مردم‌نگاری قالیچه‌های موجود در استان سیستان و بلوچستان در دو بخش مجزای فرهنگی یعنی بخش سیستان و بخش بلوچستان موردبررسی قرار گرفت و محققان برای دست‌یابی به داده‌های این سطح به مصاحبه‌های گسترده در اقصی نقاط این استان پهناور پرداخته‌اند. اطلاعات به‌دست‌آمده در این بخش همگی حاصل پاسخ تعدادی از افراد بومی متصدی فرش از بافنده گرفته تا فروشنده‌ها است که ذکر کردن تمامی پاسخ‌های آنان در حوصله‌ی پژوهش حاضر نیست. بنابراین چکیده‌ای از این دیدگاه‌ها در بخش کدگذاری باز و به‌منظور بازنمایی

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

تفاوت‌ها و شباهت‌های دو بخش اصلی میدان تحقیق در دو جدول مجزا (جداول ۱ و ۲) نوشته شد تا در قسمت کدگذاری محوری و سپس گزینشی به‌صورت علمی موردبررسی قرار گیرند.

در جدول زیر مشخصات گزیده‌ای از مصاحبه‌شوندگان منطقه‌ی سیستان مشاهده می‌شود که برای سهولت در طبقه‌بندی به‌جای نام آن‌ها از شماره‌ی ردیف استفاده‌شده است، لازم به ذکر است به دلیل این که به‌طور تقریبی جمعیت نمونه در مورد مفهوم موردبحث اتفاق‌نظر داشته‌اند؛ درون‌متن به شماره‌ی ردیف مصاحبه‌شوندگان اشاره نشده است.

جدول ۱- مشخصات ۵ مورد از مصاحبه‌شوندگان بخش سیستان

ردیف	جنسیت	سن	شغل	سابقه‌ی شغلی
۱	زن	۴۸	بافنده	۳۲
۲	زن	۵۶	بافنده	۴۰
۳	زن	۵۳	بافنده	۳۰
۴	مرد	۶۵	صاحب کارگاه فرش	۲۴
۵	مرد	۴۹	فروشنده‌ی فرش	۱۸

در بخش بلوچستان نیز ویژگی‌های ۵ مورد از مصاحبه‌شوندگان بر اساس کامل‌ترین جواب‌ها انتخاب شد و بدون نام و با شماره ردیف در جدول ۲ جایگذاری شد.

جدول ۲- مشخصات ۵ مورد از مصاحبه‌شوندگان بخش سیستان

ردیف	جنسیت	سن	شغل	سابقه‌ی شغلی
۱	زن	۵۷	بافنده	۴۲
۲	زن	۳۷	بافنده	۱۲
۳	زن	۵۵	بافنده	۳۹
۴	زن	۳۸	مربی بافت	۷
۵	مرد	۵۶	مجموعه‌دار	۲۷

■ یافته‌های پژوهش

● استان سیستان و بلوچستان

- منطقه‌ی سیستان

ناحیه‌ی سیستان با ۸۱۱۷ کیلومترمربع مساحت، در قسمت شمالی این استان قرار دارد و حوزه‌ی مسطح و مسدودی است که از آبرفت دلتای قدیمی و فعلی رود هیرمند تشکیل‌شده است (زنده‌دل، ۱۳۷۹: ۲۵).

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۸
پاییز و زمستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]



تصویر ۱- نقشه‌ی استان سیستان و بلوچستان (سایت شماره‌ی ۱)

- منطقه‌ی بلوچستان

ناحیه‌ی بلوچستان در جنوب شرقی ایران با وسعتی حدود ۱۷۳۴۷۸ کیلومترمربع، منطقه‌ی وسیع کوهستانی است که حد شمالی آن به سیستان و کویر لوت و حد جنوبی آن دریای عمان است. همچنین از شرق به پاکستان و از غرب به کرمان و هرمزگان منتهی است. مرزهای طولانی آبی و خشکی این استان با کشورهای افغانستان، پاکستان و کشورهای حوزه‌ی خلیج‌فارس، موقعیت ویژه‌ای را به آن بخشیده و سبب ایجاد شرایطی خاص شده است. چندگانگی و تنوع مذهبی، گویش‌های مختلف و نمود تعلقات قومی و قبیله‌ای از دیگر ویژگی‌های اجتماعی این استان است (بیهقی، ۱۳۶۴: ۴۴۵ و زنده‌دل، ۱۳۷۹: ۲۶).

هر دو منطقه‌ی استان سیستان و بلوچستان دارای سابقه‌ی طولانی در امر تولید قالیچه‌های سنتی بوده‌اند به‌طوری که از ابتدای تولید تا به انتها کاربرد این قالیچه‌ها هم در زندگی روزمره و هم در بسیاری از امور اعتقادی و فرهنگی مردم منطقه نمود پیداکرده است و به‌نوعی قالیچه‌ها و فرهنگ منطقه با هم دارای تعامل و آمیختگی هستند. برای مثال در مراسم عزاداری و عروسی منطقه وجود فرش دست‌باف جایگاه ویژه‌ای داشته؛ و از ملزومات جهیزیه‌ی عروس بوده و در مراسم ختم نیز بر روی تابوت متوفی و روی قبر پهن می‌شده است.

همچنین در این استان به‌مانند سایر استان‌های ایران پهناور رسوم محلی خاص زیادی نیز وجود دارد که از بین آن‌ها به مراسم حَشَر به لحاظ ارتباطش با تولید قالیچه‌ها اشاره‌شده است.

فرش سیستان

ازجمله صنایع‌دستی حائز اهمیت ازنقطه‌نظر اقتصادی در منطقه‌ی سیستان می‌توان قالی را نام برد که امروزه تولید آن بیشتر توسط عشایر صورت می‌گیرد. دست‌بافته‌های آن‌ها که معمولاً کوچک‌تر از حد معمول است شامل خورجین، پشتی، کناره با ابعاد مختلف و قالیچه‌های ۲×۱ متری است. در این فرش‌ها از رنگ‌های گرم و تیره‌ی طبیعی مانند قهوه‌ای تیره، قرمز متمایل به قهوه‌ای، مشکی و رنگ‌های روشن مثل سفید، کرمی و نارنجی با طیف‌های مختلف قرمز استفاده می‌شود. از نقوش این فرش‌ها می‌توان به حیوانی، گیاهی، انسانی و هندسی اشاره کرد.

قالی سیستان جزء یکی از اصیل‌ترین انواع قالی‌ها در کشور ما است که به دلیل اطلاعات کم و گاهاً اشتباه و نیز

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

از بین رفتن نیروهای تولید، کمتر از آن یاد می‌شود. این بافته‌ها در ابعاد مختلف به‌صورت قالی و گلیم و سوزن‌دوزی، فراوان بافته می‌شوند و شامل کیسه جل، خورجین، جوال، چنته، قالی و قالیچه هستند (تصویر شماره ی۲). امروزه به دلیل تغییر نوع معیشت وزندگی، بافت قالی رو به زوال است و بسیاری از این دست‌بافته‌ها رو به فراموشی است. از آن‌جا که سکاها از قرن پنجم قبل از میلاد مسیح نمد و گلیم و قالی تولید می‌کردند و حتی از تعدادی از گورهای آن‌ها در شمال آلتایی گلیم و نمد به‌دست‌آمده حداقل چیزی که می‌توان گفت این است که هنر بافندگی منطقه‌ی سیستان با ورود سکاها تحت تأثیر هنر قالی‌بافی سکایی قرار گرفت (رحیمی، ۱۳۸۱: ۶۱ و حصوری، ۱۳۷۱: ۲۵).



تصویر ۲- نمونه قالی سیستان (نگارندگان)

- نقوش

در قالی معاصر سیستان نقشه‌های کهن به‌طور کامل فراموش‌شده است. تنها تعداد کمی از نقشه‌های دوره‌ی میانه مثل سه ترنج تودرتو، سه ترنج-نیم ترنج، سه ترنج، ترنج-ترنج و بسیاری نقشه‌های تکراری مثل خانه-خانه (قاب قابی) گلدانی، درختی، گل‌قندانی، سیه‌کار، دهمرده و نیز صورت‌بافی باقی‌مانده که گلدانی، دهمرده، سیه‌کار، گل‌قندانی [و نیز فتح‌اللهی] بیشتر بافته می‌شوند (طاهری،۱۳۹۴: ۴۸).

نقوش و رنگ‌های قالی معاصر سیستان با توجه به باورها و اعتقادات و نمادهای مردم سیستان جایگاه خاصی در این منطقه دارد، نقوش این قالی‌ها به چهار دسته‌ی زیر تقسیم می‌شود: هندسی، گیاهی، حیوانی و انسانی (حسین‌آبادی و رهنورد، ۱۳۸۵ :۵۹).

جدول ۳- نمونه‌هایی از انواع چهارگانه‌ی نقوش قالی سیستان

			
انسانی	حیوانی	گیاهی	هندسی

(نگارندگان)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

تحلیل یافته‌های بخش ۱ (منطقه‌ی سیستان)

به جهت پیشبرد پژوهش حاضر، در میدان تحقیق با افراد زیادی ملاقات و مصاحبه‌هایی صورت گرفت و هر جا مباحث به اشباع نظری رسید مصاحبه‌ها اتمام یافت. از این میان در هر بخش تعداد ۵ نفر که جواب‌های جامع‌تری در راستای سؤالات طرح‌شده بیان نمودند گزینش شد و سپس کدگذاری موضوعی مصاحبه‌های انجام‌گرفته به‌صورت خلاصه و میانگینی از پاسخ‌های جمع‌آوری‌شده در جدول ۴ ارائه شد که شامل نکات جامعی است از نقش و جایگاه قالیچه‌های بافته‌شده در فرهنگ و اعتقادات مردم این ناحیه.

کدگذاری مفاهیم فرهنگی و اعتقادی در قالیچه‌های سیستان

در بخش پیش رو به سؤالاتی پرداخته‌شده که دارای مفاهیم اعتقادی و فرهنگی در نظر مردمان منطقه سیستان است و شامل تمام مراحل پیش از بافت، در هنگام بافت، پس از بافت، همچنین کاربردهای قالی در مراسم خاص و ادبیاتی است که در حین بافتن قالی ایجاد می‌شده است. مصاحبه‌شوندگان انتخابی درمجموع پاسخ‌های تقریباً مشابهی داشتند. درعین‌حال در پاره‌ای موارد برخی از مصاحبه‌شوندگان تأکید بر یک مفهوم خاص نیز داشته‌اند.

جدول ۴-کدگذاری مربوط به فرهنگ و اعتقادات (سیستان)

واحد متراکم پرسش		واحد متراکم پاسخ‌ها (کدگذاری باز)	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
۱	نوع فرش ترجیحی توسط افراد بومی قدیمی و علل جایگزینی فرش‌های جدید	– علاقه‌مندی بیشتر به فرش‌های قدیمی و سنتی چون همه مراحل پیش از بافت و حین بافت و پس از بافت مثل پشم‌چینی و رنگ کردن پشم‌ها و همچنین تهیه و برپایی دار توسط خودشان انجام می‌شد – کم‌توان شدن بافنده‌های قدیمی به دلیل بالا رفتن سن – مشکلات مالی و نبودن مشتری و عدم اهتمام لازم توسط بافندگان جدید	– بوم آوردی در همه مراحل تولید. – علاقه‌مندی به فرش‌های قدیمی – سال‌خوردگی بافندگان تولید کم – بازار نامناسب – عدم نیروی تولید جدید	– تعلق‌خاطر به فرش‌های قدیمی – اضمحلال به دلیل ازکارافتادگی، تغییر سلیقه بازار و عدم تمکن مالی
۲	عوامل مؤثر بر زیبایی‌شناسی افراد بومی در مورد فرش	نقوش قدیمی از آن‌جا که در نظر بافندگان اصیل‌تر و با نقوش سایر هنرهای سنتی منطقه هماهنگ بود در نظرشان زیباتر بود	زیبا پنداشتن نقوش سنتی توسط افراد بومی به دلیل اصالت و همسانی با نقوش سایر هنرهای سنتی	اصالت و هارمونی با نقش سایر هنرها
۳	اعتقادات حین آب‌کشی فرش	– قالی‌ها اکثراً پیش از عید نوروز شسته می‌شد – به کودکان کمتر اجازه راه رفتن روی فرش داده می‌شد تا فرش کثیف یا نجس (در اثر ادرار) نشود و اگر نجس می‌شد قسمت نجس سه مرتبه شست‌وشو می‌شد – بر روی فرش پتو پهن می‌شد تا از کثیف شدن فرش توسط عرق پا و سایر عوامل خارجی جلوگیری شود	– شست‌وشو پیش از عید نوروز – ممانعت از راه رفتن کودکان برای جلوگیری از نجاست و سه مرتبه آب‌کشی برای رفع نجسی – پهن کردن پتو برای جلوگیری از جذب عرق پا توسط پشم و ممانعت از اصابت سایر عوامل که موجب کثیف شدن فرش می‌شود	– شستن در آیین نوروز – حساسیت به نجاست و کثیفی فرش – حفظ فرش از عوامل کثیف کننده بیرونی

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

۴	اعتقادات حین بافت	– معتقد بودند همیشه باید با وضو قالی ببافند – زمان‌هایی مثل هنگامه اذان صبح را خوش وقت می‌دانستند در نتیجه از همان زمان شروع به بافت می‌کردند – بافتن قالی را نیز مثل سایر کارها بانام خدا شروع می‌کردند – در کار بافت قالی فقط به هنگام نماز (و کارهای ضروری) وقفه می‌افتاد – فوت کردن صلوات به آبی که برای رد انداختن روی تارهای قالی به هنگام پایین‌کشی ریخته می‌شد و سپس ریختن آب	– اعتقاد به با وضو بافتن فرش – مناسب دانستن زمان‌های خوش‌یمن مثل هنگام اذان صبح برای بافت – شروع بافت با یاد خداوند تعطیل کردن کار فقط – به‌ضرورت هنگام نماز – فوت کردن صلوات به آب برای رد انداختن پیش از پایین‌کشی	– گسترده بودن اعتقادات اسلامی در همه جوانب بافت فرش – ترک بافت تنها به دلیل انجام واجبات شرعی (و سایر امور ضروری)
۵	چگونگی اعتقاد به چشم‌زخم	– اعتقاد به ازدیاد اصابت چشم‌زخم برای خانواده‌های دارای فرزند دختر بیشتر به جهت توانایی بیشتری که در بافت قالی داشتند. – آویز کردن دود نی و کُچک (صدف دریایی) و انواع دعاها به دار قالی و بافتن انواع نقوش تعویذی در طرح و نقش قالی برای جلوگیری از چشم‌زخم	– وجود اعتقادات شدید درزمینه‌ی چشم‌زخم مخصوصاً در خانواده‌هایی با توانایی بافت قالی بیشتر – وجود اسباب و وسایل گوناگون برای دفع چشم‌زخم – بافت نقش وسایل دفع چشم‌زخم در طرح فرش برای برطرف کردن آن	– اعتقاد شدید به چشم‌زخم؛ به‌کارگیری تمهیدات گوناگون به جهت برطرف‌سازی چشم‌زخم – اهمیت بالای بافت قالی به‌عنوان امری باقابلیت چشم خوردن
۶	کاربرد فرش در مراسم خاص	– اهدای قالیچه‌هایی با طرح‌های شاد مثل گلدانی به تازه‌عروس‌ها با عنوان – قالیچه‌های جیزی یا جهازی – در هنگام پُرسه (عَزا) داری؛ پهن کردن بر روی تابوت و نیز قرار دادن روی قبر	– وجود قالی در جهیزیه نوعروس‌ها – وجود قالی در مراسم عزاداری	ضرورت وجود قالی در مراسم مهم مربوط به غم و شادی
۷	شعرخوانی به هنگام بافت	– به جهت سر نرفتن حوصله بافندگان یا نقشه با آهنگ خوانده می‌شد یا شعرهایی که توسط آقایان در زمین کشاورزی و رسوم برداشت محصول و نظیر آن خوانده می‌شد توسط بانوان هنگام بافت خوانده می‌شد و نیز بعضی اشعار مخصوص بافت فرش	– خواندن نقشه با آهنگ برای سرگرمی حین بافت – خواندن اشعاری مشابه اشعاری که به هنگام سایر امور مانند کشاورزی و برداشت محصول خوانده می‌شود – خواندن اشعار مربوط به فرش	– ریتم دادن به نقشه‌خوانی – هم‌سو بودن بافت فرش با سایر امور مهم معیشتی – اشعاری مخصوص فرش‌بافی

نوع فرش ترجیحی توسط افراد بومی قدیمی و علل جایگزینی فرش‌های جدید

بررسی‌ها نشان می‌دهد اکثر بافندگان بومی و بخصوص قدیمی فرش‌های سنتی را که خود می‌بافتند به علت بوم آورد بودن اکثر مراحل تولید به فرش‌های ماشینی و طرح‌های مناطق دیگر ترجیح می‌دادند. درواقع برای تهیه فرش‌های سنتی کلیه مراحل بافت نظیر تهیه دار قالیبافی، پشم‌چینی و رنگرزی چله دوانی، بافتن و پایین‌کشی و ... توسط خودشان انجام می‌شد؛ اما امروزه با توجه به کمبود متقاضی و همچنین کم شدن توانایی جسمانی و مالی بافندگان قدیمی بافت این‌گونه فرش‌ها رو به فراموشی نهاده، درنتیجه بافندگان مجبور به استفاده از فرش‌های مناطق دیگر بودند.

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۸
پاییز و زمستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

عوامل مؤثر بر زیبایی‌شناسی قالی سیستان از دیدگاه افراد بومی

تحلیل پاسخ جمعیت نمونه در این خصوص نشان داد بافندگان و طراحان فرش سیستانی معتقد بودند از آن‌جا که در نقوش فرش‌های قدیمی از نقوش سنتی خود منطقه استفاده می‌شد، این فرش‌ها با اصالت‌تر بود و همچنین نقوش این هنر با نقش‌مایه‌های به‌کار رفته در سایر هنرها مثل خامه‌دوزی و سفالگری و غیره هماهنگ بوده درنتیجه زیبایی دلپذیری داشتند و حتی به همین دلایل آن‌ها را زیباتر از نقوش فرش سایر مناطق می‌دانستند.

- اعتقادات حین آب‌کشی فرش

در این مبحث مشخص شد قالیچه‌ها در این منطقه مانند اکثر نقاط کشور پیش از عید نوروز و در هنگام خانه‌تکانی شسته می‌شوند مگر این که عواملی مثل نجاست توسط ادرار کودکان و غیره موجب کثیفی و یا نجس شدن فرش شود. در این صورت درصدد رفع نجاست یا کثیفی برمی‌آیند. به همین جهت برای جلوگیری از این امر با پهن کردن جسمی مانند پتو سعی در ممانعت از کثیف شدن فرش توسط عرق پا (که پشم فرش دارای خاصیت جذب آن است) و سایر عوامل بیرونی دارند و حتی تا حد ممکن از راه رفتن کودکان بر روی فرش جلوگیری به عمل می‌آورند.

- اعتقادات حین بافت فرش

نظر به کدگذاری محوری و مواجهه با عواملی هم‌چون اعتقاد به با وضو بافتن فرش، مناسب دانستن زمان‌های خوش‌یمن مثل هنگام اذان صبح برای بافت، شروع بافت قالی با نام و یاد خداوند، تعطیلی کار فقط به هنگام ضرورت و نماز و نیز فوت کردنِ صلوات به آبی که به هنگام پایین‌کشی برای رد انداختن روی چله‌ها ریخته می‌شود؛ به‌اضافه‌ی اعتقادات مربوط به آب‌کشی که در بخش پیشین اشاره شد می‌توان گسترده بودن اعتقادات اسلامی در همه‌ی جوانب بافت فرش را به‌راحتی از این بخش از پژوهش دریافت و البته لازم به ذکر است شناسایی چنین مطلبی به این معنا نیست که امور مهم دیگر کلاً انجام نمی‌گرفت بلکه اگر کاری پیش می‌آمد انجام می‌شد ولی اولویت با بافت قالی بود.

- چگونگی اعتقاد به چشم‌زخم

در میدان تحقیق مشخص شد بافندگان و سایر افراد بومی منطقه اعتقادات شدیدی در زمینه‌ی چشم‌زخم دارند. اولاً اعتقاد به چشم‌زخم و کارکرد آن در منطقه بسیار جالب‌توجه است و از این حیث می‌توان به اهمیت بالای قالی به‌عنوان کالایی باقابلیت چشم خوردن پی برد. در ثانی خانواده‌های دارای دخترانِ بیشتر که توانایی بافت قالیچه‌های بهتری داشتند در نظر افراد بومی ممکن بود بیشتر مورد اصابت چشم‌زخم قرار گیرند که نشان از اهمیت بالای بافت قالی در منطقه داشت. درنتیجه بافندگان سعی داشتند با به‌کارگیری تمهیدات خرافی زیادی از اصابت چشم‌زخم جلوگیری کنند ازجمله‌ی این تمهیدات می‌توان به آویزان کردن دعا و وسایل متبرک (جدول ۳) همچنین انواع و اقسام صدف و مهره‌ها به دار یا دوختن آن‌ها بر روی قالی و همچنین دود کردن اسفند و بافتن نقش اسفند و سایر نقوش تعویذی اشاره کرد.

جدول ۵- انواع تمهیدات به‌کار گرفته‌شده توسط افراد بومی برای دفع چشم‌زخم

		
آویختن و دود کردن اسفند	آویختن اشیای متبرک به دار	بافتن نقش اسفند در قالی

(نگارندگان)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

- کاربرد فرش در مراسم خاص

با بررسی‌های انجام‌شده در مورد این پرسش مشخص شد درگذشته وجود فرش دست‌باف محلی در مراسم مهم شادی و غم مثل عروسی و عزاداری ضروری بوده است و از همین روی به عروس‌ها به هنگام ورود به خانه‌ی بخت قالیچه‌های نفیس با طرح و رنگ شاد اهدا می‌شد. همچنین در هنگام عزاداری باید روی تابوت میت و روی قبر وی قالیچه دست‌باف پهن می‌شد که نشان از اهمیت وجود قالی در موارد مهمی هم‌چون شروع زندگی مشترک و نیز مراسم عزاداری به‌عنوان یکی از سنت‌های بسیار مهم دارد. امروزه با تغییراتی که در سبک زندگی به وجود آمده در نسل جدید دیگر قالی دست‌باف سنتی جزء اقلام مهم جهیزیه به شمار نمی‌رود و تنها در مراسم عزاداری است که از قالی‌های اندک باقی‌مانده استفاده می‌شود.

- شعرخوانی به هنگام بافت

در منطقه‌ی سیستان نیز هم‌چون بسیاری از مناطق دیگر کشور اشعار فولکلوریک بسیار زیادی از قدیم‌الایام وجود داشته که در هنگام مراسم خاص و نیز در طول زندگی روزمره خوانده می‌شده است. پاسخ‌دهندگان در هنگام پاسخ‌گویی به این پرسش بیان داشتند در هنگام بافت قالی نیز مانند سایر امور به جهت سرگرم بودن مخصوصاً به هنگامی‌که در حال بافت دسته‌جمعی یا دونفره بودند اشعاری خوانده می‌شد؛ بدین‌صورت که یا خود نقشه را به صورتی مخصوص با ریتم می‌خواندند و یا اشعاری یکسان با شعرهایی که در هنگام مراسم دیگر مثل برداشت محصول اجرا می‌شده در زمان بافت قالی توسط زنان بافنده خوانده می‌شد.

جدول (۶)، یکی از اشعاری که توسط بافندگان سیستانی هنگام بافت خوانده می‌شد

دَم یک	خدا یکی است
دَم دو	محمد رسول خداست
دَم سه	علی ولی خداست
دَم چهار	برکت خدا زیاد
دَم پنج	پنج است و گنج
دَم شش	شیش است و بیش
دَم هفت	تخم بد رفت
دم هشت	قالی ما کوه و دشت
دم نه	نه یار هشت
دم ده	ده هزار بیشتر شود، دین از محمد کرم از علی صلوات

(نگارندگان)

نمونه شعر دیگری که در هنگام خستگی از بافت قالی خوانده می‌شده همان شعر مشترک با مراسم حشر در کشاورزی سیستان است بدین‌صورت که یکی از میان جمعیت فریاد می‌زد:

ای نوحِ نبی کرم از علی — هرکس که محمدی است غلام علی است

اَر که آقایش علی یَه — به آواز جلی بُگَک یا علی

دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۸
پاییز و زمستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

پس از آن که همه اظهار داشتند یا علی، همان شخص دوباره فریاد میزند:
لال نگردی بلندتر بُگَک یا علی
و دوباره جمعیت فریاد می‌زنند یا علی. وی دوباره اظهار می‌دارد:
بارها گفت محمد که علی جان من است؛ به نام علی و جان محمد صلوات (افشار،۱۳۶۶: ۲۹۷).
پاسخ‌های ارائه‌شده در این بخش نشان داد اعتقادات گسترده در بین بافندگان نسبت به بافت فرش و وجود انواع و اقسام مراسم سنتی مربوط به آن بیش از پیش اشاره به قدمت طولانی بافت قالی در منطقه‌ی سیستان دارد؛ و نیز جایگاه مهم فرش دست‌باف را در ابعاد مختلف زندگی فرهنگی و اجتماعی این مردمان نشان می‌دهد که اکنون رو به فراموشی گذاشته است.

● فرش بلوچستان

قالیچه‌های بلوچی را می‌توان انعکاسی از تمدن و فرهنگی دانست که به نام بلوچ‌ها ثبت‌شده است. این قالی‌ها نمایانگر مشاهدات و نیز باورها و اعتقادات و همچنین آرمان‌ها و آمال بافندگان آن‌ها است که در مناطق شرقی کشور از سیستان تا خراسان توسط اقوام متعددی بافته می‌شود. گاهی نقوش این فرش‌ها به نام طوایف بافنده نام‌گذاری شده‌اند، برای مثال اقوام بلوچی که در زابل و حومه سکونت دارند از طوایف سارانی، رخشانی، بارانی و جهان‌دیده دارای بافندگی هستند [که در بازار نیز به همین نام‌ها شناخته می‌شوند]ز(نیک‌اندیش و چیت‌سازیان، ۱۳۹۳: ۵۵ و نصیری، ۱۳۸۹ :۲۱۸).

بلوچ‌ها قالیچه‌هایی کوچک پارچه و سبک‌وزن تولید می‌کنند و به‌غیراز آن کناره و کلّگی در ابعاد متوسط و نیز روزینی، پشتی، صندوقچه، بالش، سفره، رو کرسی، سفره، نمکدان و خورجین نیز ازجمله دست‌بافته‌های آنان است. قالی‌های آن‌ها دارای رنگ‌های تند است و سیاه و قرمز آبی ازجمله رنگ‌های غالب این قالی‌هاست و لوار و گاهی تار قالی از موی سیاه یا قهوه‌ای بز می‌باشد. گره آن‌ها فارسی چپ‌گرد و تمام پشمی است و از پشم‌های محلی و گاهی نیز پشم شتر استفاده می‌شود؛ تک پود و گاهی دو پوده هستند (مجابی و فنایی، ۱۳۸۸: ۳۴۴ و نصیری، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

یکی از خصیصه‌های قالی بلوچی دارا بودن گلیم‌باف راه‌راه است که با به‌کارگیری تار و پودی با پشم سیاه و چندین رنگ به وجود می‌آمد ولی اکنون استفاده از نخ‌های پنبه‌ای از جنبه تزیینی آن کاسته است. بلوچ‌ها به‌غیراز قالی‌های معمول، پشتی و قالیچه جهیزی نیز می‌بافند ولی از آن‌جا که طبق سنت هر دختر برای جهیزیه‌ی خویشتن آن را می‌بافد یافتن آن در بازار آسان نیست. از رنگ‌های شتری و سبز و سفید و ترکیب طیفی قرمز و مشکی تیره در قالیچه‌های بلوچ بهره‌گیری می‌شود (حشمتی‌رضوی، ۱۳۷۸، ۶۱ و ۶۲).



تصویر ۳- نمونه قالی بلوچ (نگارندگان)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

- نقوش

وجه‌تسمیه‌ی طرح فرش‌های بلوچی بر دوپایه استوار است، یکی بر اساس نام طوایف بافنده مانند طرح یعقوب‌خانی و سالارخانی، تیمنگ، جان بیگی و... و دوم بر اساس نگاره‌ای شاخص در هر طرح مثل طرح سجاده‌ای که دارای محراب است و یا طرح برگ تاکی و سه برگی. به‌طورکلی نام برخی نقوش معروف بلوچی به شرح زیر است: سه خشتی، گاو و برج، دختر قاضی، گل بادامی، گل ستاره، جقه‌ای و انواع قالی‌های محرابی (فرخ‌پیام، ۱۳۸۸: ۱۱۲ و فروغی‌نیا و شاهسوار، ۱۳۹۴: ۶۵۲).

بااین‌حال به لحاظ شباهت‌های فرهنگی بین دو ناحیه این استان نقوش قالیچه‌های بلوچی را نیز می‌توان در زیرمجموعه‌ی همان گروه‌های چهارگانه‌ی قالی‌های سیستان جای داد:

جدول ۷- نمونه‌هایی از انواع چهارگانه‌ی نقوش قالی بلوچستان

انسانی	حیوانی	گیاهی	هندسی
			

(گارندگان)

• تحلیل یافته‌های بخش ۲ (منطقه‌ی بلوچستان)

در این بخش نیز همانند بخش قبل پاسخ‌های پنج نفر از مصاحبه‌شوندگان برگزیده انتخاب و در جدول کدگذاری قرار گرفت تا با تحلیل آن‌ها به پاسخ‌های جامعی درباره فرش این منطقه از دیدگاه افراد بومی دست یابد.

• کدگذاری مفاهیم فرهنگی و اعتقادی در قالیچه‌های بلوچستان

در این بخش از پژوهش به کدگذاری سؤالات مطرح‌شده در منطقه‌ی بلوچستان پرداخته و به جهت نزدیکی این کدها از بسیاری جهات به کدهای منطقه سیستان و حتی یکسان بودن برخی کدها در هردو بخش تنها به توضیح ابعاد جدید این کدها بسنده شده است. همچنین کدهایی در این بخش وجود دارند که ممکن است به لحاظ فرم و ظاهر با کدهای مربوط به بخش سیستان یکی باشند اما بار محتوایی متفاوتی با آن منطقه داشته باشند که لازم بود به توضیح آن‌ها نیز مبادرت شود.

دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۸
پاییز و زمستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

جدول (۸) کدگذاری مربوط به فرهنگ و اعتقادات (بلوچستان)

	واحد متراکم پرسش	واحد متراکم پاسخ‌ها (کدگذاری باز)	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
۱	نوع فرش ترجیحی توسط افراد بومی قدیمی و علل جایگزینی فرش‌های جدید	مردم منطقه همان‌طور که هنوز از لباس محلی اصیل بلوچی استفاده می‌کنند ترجیح می‌دهند از فرش‌های بلوچی و محلی خودشان نیز استفاده کنند اما به دلیل سختی بافت روی دار افقی و عواملی مثل از بین رفتن بافندگی در منطقه فرش محلی یافت نمی‌شود و مجبورند از فرش‌های سایر مناطق و فرش‌های ماشینی استفاده کنند	– ترجیح افراد بافنده قدیمی به فرش‌های قدیمی و سنتی همانند استفاده از لباس‌های اصیل بلوچی – دشواری بافت قالی اصیل بلوچی به دلیل کمبود مواد اولیه و ملزوماتی مانند دار افقی از بین رفتن بافندگی در منطقه	تعلق‌خاطر به فرش‌های قدیمی (برای حفظ اصالت) اضمحلال آن‌ها به دلیل از بین رفتن بافندگی و ملزومات بافت در منطقه
۲	عوامل مؤثر بر زیبایی‌شناسی افراد بومی در مورد فرش	– نقوش قدیمی از آن‌جا که در نظر بافندگان با اصالت تر بود و با نقوش سایر هنرهای سنتی منطقه هماهنگ بود به نظرشان زیباتر بود همچنین سعی در زیبا بافتن این نقوش داشتند و ازآنجاکه بلوچ بودند و عاشق بلوچستان هر چیز دست‌ساز بلوچی در نظرشان زیبا بود	– زیباتر دانستن نقوش سنتی توسط افراد بومی به دلیل اصالت و همسانی با نقوش سایر هنرهای سنتی – تلاش برای زیبا بافتن قالیچه‌های بلوچی – زیبا دانستن هر چیز بلوچی به دلیل بلوچ بودن و حفظ اصالت	تأثیر اصالت و هارمونی با نقش سایر هنرها تعصب روی اصالت بلوچی
۳	اعتقادات حین آب‌کشی فرش	– قالی‌ها اکثراً فقط پیش از عید نوروز شسته می‌شد – فرش‌ها به این صورت شسته می‌شد که در رودخانه‌های آب روان پهن می‌شد و با ریگ و شن شسته می‌شد و معتقد بودند با این کار بدی‌های جن و انس که در طول یک سال به فرش رسیده بود از آن پاک می‌شد	شست‌وشو پیش از عید نوروز اعتقاد به از پاک شدن بدی‌های جن و انس از فرش با شست‌وشو با آب روان	– شستن در آیین نوروز – رفع پلیدی‌های فرش با آب روان
۴	اعتقادات حین بافت	– پیش از بافت قالی شخص بافنده با برپایی مراسمی به نام حَشَر به‌طور مفصل از دیگران دعوت به همکاری می‌کرد – برای فرش خاصیت درمانی قائل بودند، فرش را مقدس می‌پنداشتند و معتقد بودند زبری فرش باعث ماساژ دادن کف پا می‌شود و همچنین فرش را دارای خاصیت آرام‌بخش و شفابخشی می‌دانستند بدین‌صورت که اگر مریض می‌شدند به آن‌ها گفته می‌شد روی قالیچه پشمی دراز بکشند تا	– برپایی مراسم حَشَر پیش از بافت قالی و دعوت دیگران به همیاری – بالا بودن جایگاه فرش تا حد اعتقاد به مقدس بودن آن – اعتقاد به وجود خواص آرام‌بخش و وجود حالت درمانی و شفابخشی در فرش	– اعلام بافت با حَشَر کردن و کمک طلبی – تقدس جایگاه فرش – شفابخش دانستن فرش

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

		عرقشان به خورد پشم فرش رفته و بدین طریق از بیماری پاک شوند و برای افرادی که دیسک کمر و یا کمردرد و گردن درد داشتند پشتی‌ها و بالشت‌های از جنس فرش تجویز می‌شد – اعتقادات شدیدتری در این زمینه نسبت به قالیچه‌های محرابی وجود داشت مثلاً اینکه بافت قالیچه‌های محرابی باید با وضو انجام می‌گرفت زیرا کاربرد آن برای خواندن نماز بود و باید پاک می‌بود؛ روی آن هیچ‌گونه موجود زنده‌ای تصویر نمی‌شد و فقط اشکال هندسی داشتند فقط گاهی قسمت گردن به‌صورت هندسی نمایان بود و محل قرارگیری دست‌ها با نقش‌مایه پنجه مشخص می‌شده است و حق نوشتن هیچ‌گونه نوشته‌ای حتی نام خداوند را نیز روی آن نداشتند؛ نیز پهن کردن آن زیر پا را گناه می‌دانستند و به‌سان جسمی مقدس به دیوار آویخته می‌شد.	– بافت قالیچه‌های جانمازی با وضو و آویز کردن آن به دیوار به جهت معصیت دانستن پهن شدن قالیچه محرابی به زیر پا – عاری بودن آن از وجود نقش هیچ‌گونه موجود زنده و حتی اجتناب از نوشتن نام خداوند بر روی – تنها بافت اشکال هندسی روی فرش محرابی	– مقام والاتر قالیچه‌های محرابی نماز ازنظر تقدس و کارکرد مذهبی صرف
۵	چگونگی اعتقاد به چشم‌زخم	در منطقه نسبت به چشم‌زخم اعتقادات شدیدی وجود داشت و ترس شدیدی از چشم‌زخم داشتند درنتیجه با آویزان کردن اجسامی مثل صدف، گوش‌ماهی و خرمهره و نیز دوختن اجسامی مثل سکه و دکمه‌های لباس مردانه به قالی و دود کردن اسفند حین بافت سعی در برطرف کردن آن داشتند. همچنین اگر مورد اصابت چشم‌زخم قرار می‌گرفتند باخبر کردن ملا هایی که مراسم خاصی مثل شکستن تخم‌مرغ را انجام می‌دادند آن را از بین می‌بردند.	– وجود اعتقادات و ترس شدید درزمینه چشم‌زخم بافت اجسام زیادی مثل خرمهره، صدف، سکه و دکمه‌های لباس مردانه به قالی و سایر منسوجات برای جلوگیری از چشم‌زخم – وجود اشخاص و مراسم خاص برای دفع چشم‌زخم	– اعتقاد شدید به چشم‌زخم در منطقه – اهمیت بالای بافت قالی به‌عنوان امری باقابلیت چشم خوردن؛ تمهیداتی برای دفع آن – وجود مراسم خرافی و اعتقادی
۶	شعرخوانی به هنگام بافت	بافندگان اشعاری مثل لیلون (لالایی‌های بلوچی) و نیز لیکو (ترانه‌های بلوچی) ها را به هنگام بافتن قالی می‌خوانده‌اند که مضامین مختلفی داشته اما هیچ‌کدام از آن‌ها شعری که مربوط به بافت قالی باشد در خاطر نداشتند	– عدم وجود ترانه‌هایی با مضمون بافت قالی در منطقه – خواندن لیکو ها و لیلون های بلوچی به هنگام بافت قالی درگذشته	هم‌سو بودن بافت فرش با سایر امور معیشتی

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

۷	کاربرد فرش در مراسم خاص	– درگذشته قالی یکی از اقلام مهم و ضروری همانند لباس، شال و سایر ملزومات اهدایی به عروس‌ها بود و حتی دارای اهمیتی در حد اهدای طلا بود و درنتیجه قالیچه‌های بلوچی با بافتی ظریف‌تر و رنگ‌بندی شاد (اکثراً قرمز) باید حتماً به عروس تقدیم می‌شد و حتی تا زمانی که قالیچه بافته نشده باشد مراسم عروسی به تعویق می‌افتاد چون قالی هم مورداستفاده قرار می‌گرفت و هم‌منزل را زیباتر می‌کرد – به دلیل این که درگذشته سطح بهداشت پایین بود و کودکان زیادی در روزهای اول به دنیا آمدن می‌مردند اگر کودکی به شب ششم زندگی خود می‌رسید با برپایی مراسم خاصی به شادی می‌پرداختند که وجود قالی دستباف در این مراسم ضروری بود و باید کودک روی آن قرار می‌گرفت	– اهمیت وجود قالی در جهیزیه نوعروس‌ها به‌عنوان کالایی مهم حتی در حد طلا – الزام وجود فرش هم به‌عنوان کالایی مورداستفاده و هم کالایی برای زیباتر کردن منزل نوعروس – ضرورت قرار گرفتن کودک بر روی قالی در مراسم شب ششم زندگی	– اهمیت وجود قالی به‌عنوان کالایی لوکس در جهیزیه عروس – کارکرد دوگانه کاربردی، زیبایی‌شناسی – الزام وجود قالیچه دستباف در مراسم شب شش

نوع فرش ترجیحی توسط افراد بومی و علل جایگزینی فرش‌های جدی

در منطقه‌ی بلوچستان نیز همانند منطقه‌ی سیستان بافندگان و افراد قدیمی بیان داشتند فرش‌های قدیمی و سنتی خود را ترجیح می‌دهند و یکی از دلایل این امر حفظ اصالت است مانند استفاده از لباس‌های سنتی بلوچی است که همچنان رایج است. درنتیجه اگر فرش‌های سنتی بلوچی نیز در دسترس بود از آن‌ها استفاده می‌کردند اما با دلایلی مشابه با کمبود قالی‌های سیستان که در بخش پیشین برشمرده شد بالاجبار ناگزیر به استفاده از قالیچه‌های مناطق دیگر هستند.

زیبایی‌شناسی فرش بلوچی از دیدگاه افراد بومی

در زیبایی‌شناسی فرش بلوچی از دیدگاه افراد بومی نتیجه‌ی مشابهی همانند سیستان به‌دست آمد. لیکن تعصب روی نقوش بلوچی نیز به دلایل زیبایی شناسانه‌ی فرش دست‌باف بلوچی از دیدگاه افراد بومی باعث شده که بافندگان و افراد بلوچ با تعصبی که روی نقوش بلوچی داشتند آن‌ها را زیباتر از نقوش سایر مناطق بدانند. (تصویر ۴). همین نقوش روی فرش‌ها نیز دیده می‌شوند و بومیان منطقه طبق دلایل ذکرشده در بالا تمایل بیشتری به استفاده از آن‌ها دارند.

- اعتقادات حین آبکشی فرش

در تحلیل پاسخ مصاحبه‌شوندگان به سؤال در این مورد مشخص شد علاوه بر شست‌وشو در آیین نوروز، اهالی محلی معتقد بودند در طی یک سال که از فرش استفاده‌شده است پلیدی‌ها و کثیفی‌هایی در آن به وجود آمده که علاوه بر وجود فعالیت‌های انسان‌ها و سایر عوامل آلوده‌کننده، ناشی از وجود اجنه نیز بوده است؛ بنابراین با قرار دادن قالی در مسیر آب‌های روان سعی در رفع آلودگی‌ها و پلیدی‌ها از روی فرش داشتند.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]



تصویر (۴) نمونه‌هایی از نقوش بکار رفته در سفال‌های ناحیه کلپورگان و تشابه آن‌ها با نقوش سوزن‌دوزی‌های بلوچی(نظری، زکریایی کرمانی و شفیعی سرارودی :۱۳۹۳).

- اعتقادات حین بافت فرش

تحلیل‌ها در این بخش نشان داد در منطقه‌ی بلوچستان اعتقادات بسیار جالبی حین بافت فرش وجود دارد برای مثال پیش از بافت فرش بافندگان با به‌جای آوردن آیین حشر از دیگران طلب همیاری می‌کردند همچنین اعتقادات بسیاری درزمینه‌ی خاصیت درمانی و شفابخش بودن برای فرش داشتند که پژوهش را به گزاره تقدیس جایگاه قالی و شفابخش بودن قالی سوق داد. همچنین بر طبق توضیحات بافندگان همین جایگاه به‌صورت ویژه و بیشتر برای قالیچه‌های محرابی وجود داشت. برای مثال قالیچه‌های محرابی اصلاً زیر پا پهن نمی‌شد چون به نظرشان این امر برابر با ارتکاب گناه بود. روی آن تصاویر واقعی نقش نمی‌شد و تنها نقوش هندسی و گاهی گیاهی مجاز به بافته شدن بر روی آن‌ها بودند به عبارتی این قالیچه‌ها کارکرد مذهبی صرف داشتند. در مورد نقش نکردن پاره‌ای نقوش بر روی این قالی‌ها با واکاوی اعتقادات مذهبی مردم این منطقه که اکثراً اهل تسنن هستند مشاهده شد که بلوچ‌های سنی تا حد امکان سعی دارند در مکانی که عکسی بر روی دیوار آویخته شده و یا عکس‌های زیادی در آن‌جا وجود دارد نماز نخوانند پس منقوش بودن قالیچه‌های جانمازی به نقوشی غیر از نقوش هندسی نیز در میان آن‌ها جایگاهی ندارد.

- چگونگی اعتقاد به چشم‌زخم

در این مبحث نیز دو کد گزینشی استخراج شد که اولی همانند و همسان با کدهای منطقه سیستان است. تنها از توضیحات آن‌ها در مورد خبر کردن مُلّا و شکستن تخم‌مرغ (برای مشخص شدن شخصی که آن‌ها را چشم زده و به جهت دفع چشم‌زخم انجام می‌شد) کد وجود مراسم اعتقادی و خرافی به دست آمد.

- کاربرد فرش در مراسم خاص

در بررسی پاسخ‌ها به سؤالات این بخش مشخص شد درگذشته‌ی منطقه‌ی بلوچستان وجود قالی در جهیزیه‌ی عروس تا آن‌جا مهم بود که آن را برابر باوجود طلا در جهیزیه‌های امروزی می‌دانستند و از این‌روی کالایی بسیار لوکس و تجملاتی به شمار می‌رفت. بومیان منطقه حتی اظهار داشتند که در صورت آماده نبودن قالیچه‌ی جهیزیه مراسم ازدواج به تعویق می‌افتاد، چون وجود قالی از منظر کاربردی نیز برای تازه‌عروس‌ها ضروری بود و درنتیجه منجر به انتخاب گزاره وجود کارکرد دوگانه‌ی زیبایی‌شناسی و کاربردی در قالیچه‌های جهازی شد.

از رسوم دیگر در میان بلوچ‌ها که وجود قالی در آن ضروری بود می‌توان به مراسم شب شش نوزاد اشاره کرد که در آن برای نوزادی که موفق به زنده ماندن تا شب ششم زندگی شده بود جشنی برگزار می‌شد و در آن کودک باید بر روی فرش دست‌باف قرار می‌گرفت

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

- شعرخوانی به هنگام بافت

در بخش شعرخوانی به هنگام بافت که در انطباق با صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان است، نتیجه به‌دست‌آمده در راستای سخنان مصاحبه‌شوندگان سیستان بود. این‌جا نیز بافندگان اشاره کردند به هنگام بافتن فرش همان اشعار فولکلوریک خود را که به گویش محلی لیکو نامیده می‌شد و یا همان لالایی‌ها یا لیلون ها را زمزمه می‌کرده‌اند. لذا بدیهی است که زن بافنده اگر اشعاری را بلد بود که به هنگام سایر امور معیشتی توسط وی خوانده می‌شده به هنگام بافت قالی نیز ناگزیر همان‌ها را به جهت رفع خستگی و یا سرگرمی تکرار می‌کرده است.

■ نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شده است تا با معناکاوی در پاسخ سؤالات، به این موضوع پرداخته شود که قالیچه‌های بومی در سیستان و بلوچستان چه نسبتی با مؤلفه‌های فرهنگی و ارزش‌های اعتقادی پدیدآورندگان آن‌ها داشته است؟ به همین منظور با ورود به زوایای مختلف تولید فرش از ابتدایی‌ترین امور و مراسمی که برای شروع بافت انجام می‌شد تا انتهایی‌ترین آن که کاربرد فرش است و نیز با ورود به ادبیات ایجادشده در حین بافت فرش، مشخص شد که این دست‌بافته درگذشته و در زندگی مردمان منطقه‌ی سیستان و بلوچستان (صرف‌نظر از حیث مادی) ازنظر معنوی دارای جایگاه خاصی بوده به نحوی که در ذهن و زندگی مردمان منطقه به‌مثابه یک امر مقدس شناخته می‌شود.

همان‌گونه که در متن پژوهش آشکار شد، فرش در نظر این مردمان دارای نقشی درمان‌گر، شفابخش و جاذب پلیدی‌ها و بیماری‌ها بوده و با شست‌وشو با آب روان در آیینی مانند نوروز همه پلیدی‌ها از آن زدوده می‌شود؛ در واقع بیرون راندن نفوس شیطانی از خانه‌ها در مراسم شست‌وشوی فرش متجلی می‌شود. این منطقه همچنین با گستره‌ی وسیع خود، با مسائل و اعتقادات دینی متعددی در ابعاد مختلف زندگی ساکنان آن مواجه بوده و هست. فرش نیز به‌عنوان جزیی از زندگی روزمره به‌شدت تحت‌الشعاع دین اسلام و دو مذهب مهم موجود در منطقه یعنی شیعه و سنی است. این تأثیر به‌گونه‌ای است که بافندگان با خوش وقت دانستن هنگامه‌ی اذان صبح، پس از اقامه‌ی نماز به بافتن می‌پرداختند. در این منطقه فریضه‌ی نماز یکی از تنها عواملی بود که می‌توانست بافت فرش را برای مدتی کوتاه مختل کند. این مطلب نوعی تقدس‌گرایی را برای فرش به ارمغان آورده و نشان از این دارد که بافت فرش جزء امور پراهمیت در زندگی آنان بوده است. این در حالی است که در مورد سایر موارد چنین نیست و این جایگاه معنایی فرش است که می‌تواند سایر امور مربوط به زندگی را به تعویق بیاندازد مثلاً در امر مهم ازدواج بیان داشتند که اگر بافت قالیچه‌ی جهازی دیرتر تمام می‌شد مراسم عروسی تا پایان کار بافت به تعویق می‌افتاد. مسأله‌ی ورود به حیطه‌ی امر مقدس به‌صورت پررنگ‌تری در مورد قالیچه‌های محرابی و جانمازی (خصوصاً در میان بلوچ‌ها) به چشم می‌خورد. استفاده‌کنندگان از فرش‌های محرابی حتی با علم به خواص شفابخش آن بازهم آن را زیر پاپهن نمی‌کردند و به دیوار آویخته یا در طاقچه‌ها نگهداری می‌کردند و به هنگام بافت آن نیز باید حتماً وضو می‌داشتند. در زمان کاربرد نیز که برای به‌جای آوردن نماز بود، بدیهی است که با وضو بودند و با تطهیر پای گذاشتن به آن مشکلی نبود.

از دیگر سو با گستردگی اعتقاد به چشم‌زخم در میان مردم این استان مشاهده شد: قالی به‌عنوان شیئی بسیار مهم تلقی می‌شود که ممکن است دارای قابلیت بسیار بالایی برای اصابت چشم‌زخم باشد درنتیجه بافنده‌ی محلی سعی در به‌کارگیری تمهیدات بسیاری برای پیشگیری و نیز دفع چشم‌زخم داشت که به‌طور گسترده در طی پژوهش به آن پرداخته شد.

درواقع عجین شدن فعالیتی مانند قالی‌بافی درگذشته‌ای نه‌چندان دور با تاروپود زندگی این مردمان (حتی شئون دینی و اعتقادی) منجر به نگرشی مقدس به این دست بافته‌شده است. در این‌جا اگر صحبت از شناسایی

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

هویت کالایی فرهنگی در میان است نه صرفاً جنبه‌ی مادی بلکه جنبه‌های معنایی در ارتباط با تولیدگران آن مطرح است. این پژوهش در منطقه‌ای محدود از گستره‌ی پهناور ایران نشان داد که دست‌بافته‌ای مانند فرش با همه افتراق‌های فرهنگی موجود در بین مردمان سیستان و بلوچستان دارای وحدتی در معناهای قدسی و نهفته در آن است که نشان‌گر یکی بودن ریشه‌های ابتدایی بافت قالی‌ها در این استان است.

در این پژوهش ابعاد مختلف فرش سیستان و بلوچستان از منظر انسان‌شناسی بررسی شد. در طی انجام تحقیقات مشاهده شد که فرش این منطقه در حال اضمحلال کامل است؛ به همین دلیل پیشنهاد می‌شود افراد در طی پژوهش‌های بعدی فرش منطقه را از نقطه نظراتی دیگر خصوصاً مباحث آسیب‌شناسی و چرایی از بین رفتن این هنر دیرینه در منطقه مورد بررسی قرار دهند همچنین پیگیری پژوهش‌هایی درزمینه‌ی احیای بافت فرش‌های سنتی در منطقه نیز می‌تواند مفید واقع شود. مراحل مختلف انجام پژوهش پیش‌رو از ابتدای کار تا به انتها با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود که دراین‌بین می‌توان موارد زیر را به‌عنوان مهم‌ترین آن‌ها برشمرد:

– کمبود منابع مکتوب درزمینه‌ی فرش منطقه.

– کمبود یا در قید حیات نبودن منابع آگاه در مورد قالی‌های قدیمی خصوصاً در مباحث مربوط به فن‌شناسی.

– عدم دسترسی به نقوش برخی قالیچه‌ها که مصاحبه‌شوندگان در خاطر داشتند.

– تعصبی بودن عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان که باعث می‌شد درروند کار مصاحبه از تهیه فیلم، عکس از چهره‌ها و ضبط صدا جلوگیری شود.

– از بین رفتن مکان‌های بافندگی و بسیاری از صنایع مربوط به فرش ازجمله کارگاه‌های ساخت وسایل بافت و ریسندگی، رنگرزی و... .

– فراموشی بسیاری از رسوم مربوط به فرش توسط افراد قدیمی.

–ناامن بودن و دور از دسترس بودن بسیاری از مناطق مخصوصاً برخی نقاط عشایری در سطح استان.

پی‌نوشت‌ها

۱– مراسم حشر در سیستان: مردم سیستان از قدیم برای لایروبی رودخانه‌ها ونهرهای بزرگ و نیز سدسازی دو ماه از سال با رضایت کامل به بیگاری در این کار بسر می‌برند که در گویش محلی آن را اَشر (ashar) یا حشر (hasher) می‌گویند. از این‌رو در هنگام لایروبی به‌منظور افزایش نیروی کار کشاورزان اشعاری خوانده می‌شده که برخی بافندگان منطقه‌ی سیستان در حین مصاحبه اظهار داشتند به هنگام بافت قالی اشعاری مشابه همین‌ها را تکرار می‌کرده‌اند که در بخش تحلیل داده‌ها به‌تفصیل درباره‌ی آن بحث شده است.

مراسم حَشَر در بلوچستان: در تحقیقات میدانی منطقه‌ی بلوچستان مشخص شد این مراسم با تفاوت‌هایی نسبت به سیستان انجام می‌گرفته است. برای مثال قالی‌بافان پیش از شروع بافت با دعوت کردن از همسایگان و پذیرایی از آن‌ها با شیرینی‌های محلی از آن‌ها دعوت به عمل می‌آورده‌اند و به‌اصطلاح حشر می‌کردند. پس‌ازآن همسایگان به یاری صاحب حشر می‌آمدند و به وی در بافندگی و یا سایر امور خانه که در هنگام بافت مجال کمتری برای رسیدگی به آن‌ها وجود داشت مانند آشپزی، بچه‌داری و غیره کمک می‌کردند.

۲– در گویش محلی منطقه‌ی سیستان به اسفند دودنی گفته می‌شود.

۳– دَم: واحد شمارش پیچ (گره). ده دم یعنی ده گره (حصوری، ۱۳۷۱: ۷۱).

۴– هرکه.

۵– علی است.

۶– بلند.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

۷- بگو.

۸- دعانویس دوره‌گرد.

۹- ششمین شب تولد نوزاد که در استان سیستان و بلوچستان جشن گرفته می‌شود.

فهرست منابع

- افشار، ایرج. (۱۳۶۶). گوشه‌های ناشناخته‌ای از فرهنگ مردم سیستان. *فصلنامه‌ی هنر*، ۱۴، ۲۹۲-۳۰۴.
- ابراهیمی علویجه، مهدی و بیتا شعبانپور. (۱۳۹۴). *قالی در ایلات و عشایر ایران*. اصفهان: بامداد امید.
- ایزدی جیران، اصغر. (۱۳۹۰). ظهور انسان‌شناسی هنر: فاگ،مان ،فورگ و بیبویک. مجموعه مقالات نخستین همایش انسان‌شناسی هنر. اصفهان: حوزه‌ی هنری استان اصفهان،۹-۳۰.
- ایزدی جیران، اصغر. (۱۳۹۴). بازار ورنی: زندگی‌نامه‌ی اجتماعی دست‌بافته‌هایی از لومه دره تا تهران. *دو فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*،۱، ۴۱-۶۲.
- بیهقی، حسینعلی. (۱۳۶۴). هنر و فرهنگ بلوچ. *هنر و معماری*،۱۰، ۴۴۴-۴۷۱.
- تختی، مهلا و رضا افهمی. (۱۳۹۰). تصویر و مفاهیم درخت سخنگو بر قالی‌های دستباف. گلجام،۱۸، ۴۹-۷۰.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حسین‌آبادی، زهرا و زهرا رهنورد. (۱۳۸۵). بررسی نقش و رنگ در قالی سیستان. گلجام، ۴ و ۵، ۵۷-۷۴.
- حشمتی‌رضوی، فضل‌الله. (۱۳۷۸). *تاریخ فرش: سیر تحول و تطور فرش‌بافی ایران*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حصوری، علی. (۱۳۷۱). *فرش سیستان*. تهران: فرهنگان.
-دهقانی، پروانه. (۱۳۹۴). *بررسی و تحلیل نقش و رنگ گلیم و سوزن‌دوزی‌های بلوچ. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد*. دانشگاه هنر اصفهان.
- رحیمی، زمرد. (۱۳۸۱). *سیمای میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ریویر، کلود. (۱۳۷۹). *درآمدی بر انسان‌شناسی* (ترجمه‌ی ناصر فکوهی). تهران: نشر نی.
-زنده‌دل، حسین. (۱۳۷۹). استان سیستان و بلوچستان. تهران: نشر ایرانگردان.
- طاهری، علی. (۱۳۹۴). *بررسی و تحلیل موتیف های موجود در هنرهای سنتی سیستان. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)*. دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران.
- فرخ‌پیام، افسانه. (۱۳۸۸). نظری بر مناطق، طرح‌ها و نقش‌مایه‌های قالیچه‌های قوم بلوچ ایران. مجموعه مقالات سومین همایش ملی تحقیقات فرش دستباف،۱۰۸-۱۲۱ تهران: مرکز ملی فرش.
- فروغی نیا، مریم و مرتضی شاهسوار. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی ویژگی‌های ساختاری و طرح فرش بلوچ خراسان و فرش سیستان. مجموعه مقالات همایش ملی فرش دستباف خراسان جنوبی (۶۴۷- ۶۵۸). دانشگاه بیرجند، آذر ۹۴.
- مجابی، سید علی و زهرا فنایی. (۱۳۸۸). *پیش درآمدی بر تاریخ فرش جهان*. اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.
- میرسعیدی، مریم‌السادات. (۱۳۹۶). *بررسی تحولات و نوآوری فرش‌های معاصر (ایران و کشور آذربایجان)*.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
- نصیری، محمدجواد. (۱۳۸۹). *افسانه‌ی جاویدان فرش ایران*. تهران: فرهنگ‌سرای میر دشتی.
- نظری، امیر، ایمان زکریایی کرمانی و مهرنوش شفیعی سرارودی. (۱۳۹۳). مطالعه‌ی تطبیقی نقوش سفالینه‌های کلپورگان و نقوش سوزن‌دوزی بلوچ. *هنر و معماری*، ۸، ۳۱-۴۸.
- نیک‌اندیش، بهزاد و امیرحسین چیت‌سازیان. (۱۳۹۳). زیبایی‌شناسی رنگ و طرح در قالیچه‌های محرابی بلوچ. *پیکره*،۶، ۴۱-۵۳.
- سایت شماره‌ی یک: سازمان بنادر و دریانوردی. (۱۳۹۸). مدیریت یکپارچه‌ی مناطق ساحلی کشور. قابل‌دسترسی در آدرس: https://iraniczm.pmo.ir/fa/coastalzone/coastalprovinces/syestanbalochestan- استان سیستان و بلوچستان

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.2.5]